

## مروری بر نقش کسب و کارهای کوچک و متوسط در توسعه اقتصاد

محمد مهدی جعفری ندوشن<sup>a</sup>، علی شاکرمی<sup>b</sup>

<sup>a</sup> کارشناسی ارشد، اقتصاد، علامه طباطبایی، تهران، ایران

<sup>b</sup> کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده علوم انسانی، واحد خرم آباد، ایران

**چکیده:** کسب و کارهای کوچک و متوسط نقش به‌سزایی در پویایی چرخه اقتصادی یک کشور دارند. به‌طور کلی، کسب و کار کوچک و متوسط به شرکتی گفته می‌شود که دارای مالکیت مستقل است و با توجه به نوع صنعتی که در آن فعالیت می‌کند، از نظر نیروی کار، درآمد و اندازه محدودی دارد. تعریف دقیق کسب و کارهای کوچک و متوسط موضوعی بسیار پیچیده است؛ زیرا در هر کشوری شرکت‌ها باید معیارهای خاصی را رعایت کنند تا در این دسته‌بندی قرار بگیرند. معمولاً معیارها براساس کشورهای که شرکت‌ها در آن فعالیت می‌کنند و صنعتی که به آن تعلق دارند، تغییر می‌کنند. به‌عنوان مثال، در اتحادیه اروپا شرکت‌هایی که کمتر از ۲۵۰ کارمند داشته باشند و در ایالات متحده شرکت‌هایی که کمتر از ۵۰۰ کارمند دارند، به‌عنوان SMB شناخته می‌شوند. توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط، رمز توسعه اقتصادی دهه آینده است. بررسی‌ها نشان داده است که کسب و کارهای کوچک و متوسط از طریق چهار کانال کارآفرینی، نوآوری و تغییر فناوری، پویایی صنعت و در نهایت ایجاد فرصت‌های شغلی و افزایش درآمد بر اقتصاد جهانی تاثیر گذارند. در دو دهه اخیر تغییرات محتوایی و کیفی بسیار زیادی در بازارهای جهانی رخ داده است؛ و ماهیت کسب و کارها تغییراتی اساسی کرده است؛ به موازات آن، دوره تولید محوری به انتهای حیات خود رسیده و دوره مشتری محوری در حال شکل‌گیری است. تولیدکنندگان صنعتی، با هدف استفاده بهینه از امکانات و جلوگیری از هدر رفتن منابع با ارزش، تمهیداتی اندیشیده‌اند که نتیجه آن تغییر در ساختار صنعتی خواهد بود. یکی از مشخصات بارز و اصلی این تغییر ساختار، رشد و ترویج بیش از پیش کسب و کارهای کوچک و متوسط است. بنابراین هدف از تحقیق حاضر مروری بر نقش کسب و کارهای کوچک در توسعه اقتصاد به روش کتابخانه است.

**کلمات کلیدی:** کسب و کار، کوچک و متوسط، توسعه اقتصاد

### ۱. مقدمه

با توجه به رشد روزافزون اقتصاد و حرکت کشورها به سمت توسعه‌یافتگی، هر کشوری که بخواهد در راه صنعتی خود گام بردارد، ناچار است از لحاظ آمایش سرزمین و تقسیم‌کار در مناطق مختلف کشور با استراتژی توسعه اقتصادی، محورها، قطب‌ها و همچنین مکان‌هایی را برای تجمع واحدهای صنعتی به‌صورت شهرک یا مجتمع انتخاب نماید. لزوم ایجاد این سازمان‌دهی ناشی از رشد جمعیت، مسئله اشتغال، محدودیت زمین، حفاظت و توسعه محیط‌زیست، کاهش حجم ترافیک، افزایش کارایی زمین‌های شهری، تقلیل هزینه‌های مربوط به عمران زمین، تغییر کاربری زمین‌های انتخابی و بالاخره تأمین تسهیلات و امکانات استان از رشد بی‌رویه صنعت در بعضی از مناطق و نواحی به‌ویژه از آلودگی محیط‌زیست جلوگیری گردیده است. همچنین با توجه به نقش صنایع کوچک که می‌تواند به‌عنوان اقمار صنایع بزرگ، سهم بسزایی را در تحول صنعتی و به وجود آوردن پیوندهای مستحکم صنعتی ایفا نماید، امروزه در اغلب کشورهای جهان و خصوصاً ژاپن، صنایع بزرگ تدریجاً خط تولید خود را کوچک‌تر کرده و آن را به صنایع کوچک می‌سپارند (افشاری، صائب نیا، ۱۴۰۰). امروزه به منظور حمایت و مرتفع سازی مشکلاتی که این گونه کسب و کارها با آنها روبه رو هستند، در کشورهای مختلف قوانین و تسهیلات گوناگونی برای حمایت از آنها به وجود آمده است و ایجاد فضای مناسب برای کمک به رشد و توسعه آنها یکی از مسئولیت‌های اصلی دولت‌ها است. در کشور ما نیز برای نیل به اهداف مورد نظر اهتمام ویژه‌ای بر حمایت از این گونه واحدها در پیش گرفته شده است. بنابراین هدف از تحقیق حاضر مروری بر نقش کسب و کارهای کوچک و متوسط در توسعه اقتصاد است.

ISC  
۰۱۲۲۰-۵۹۴۰۴

نخستین کنفرانس ملی

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

چالش‌ها و راهکارهای نوین در مدیریت، حسابداری و صنعت بیمه

زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰  
MCII-conf.ir

### ۱.۱. کسب‌وکار

امروزه، تمامی ابعاد زندگی انسان را کسب‌وکارها احاطه کردند. هرروز، انسان با تعداد زیادی از کسب‌وکارها در ارتباط است، خریدوفروش انجام می‌دهد و به‌واسطه آن‌ها، نیازهای خویش را برطرف می‌سازد. مفهوم کسب‌وکار که در ارتباط با کار است، سه مفهوم ذیل را در برمی‌گیرد. به کار انداختن یک وسیله، ماشین و یا ابزاری مانند آن. جایی که کار و فعالیت‌های مختلف انجام می‌گیرد، یعنی محل کار واحد تولیدی که از وظایف مادی و انسانی تشکیل می‌شود. از مفاهیم مذکور اولی، فقط به ویژگی فنی، و بقیه هم به یک ویژگی اجتماعی و فنی اشاره دارند (Tosun, 1990). بعدازاین توضیحات، کسب‌وکار را بدین گونه می‌توان تعریف کرد: «واحدهای اقتصادی، فنی و حقوقی هستند که برای برآورده ساختن نیازهای شخصی و یا نهادهای دیگر، با گردهم آمدن عوامل تولید، کالا یا خدمات تولید فروش می‌کنند و در نهایت هم، به دست آوردن یک سود معنوی یا مادی را هدف قرار می‌دهند.

درنتیجه تمامی این فعالیت‌ها، کسب‌وکارها سعی می‌کنند که هدف‌های حفظ تداوم، رشد و کسب سود را تحقق بخشند. بدان سبب، برای کالا و خدمت تولیدشده کسب‌وکارها یک قیمت بازار مشخصی تعیین شده و کسب‌وکار از آن، درآمد فروش به دست می‌آورد. مالکان و یا مدیران کسب‌وکارها افزایش درآمد فروش و مهم‌تر از آن حداکثر کردن سودشان را هدف قرار می‌دهند. سودآور بودن کسب‌وکارها، علاوه بر اینکه به ارائه کالا و خدمات بهتر و باکیفیت‌تر کمک می‌کند، برای ارائه خدمت در درازمدت به جامعه یک ضرورت می‌باشد (Eren, 2000).

کسب‌وکاری که دانش را دارا است می‌تواند دیگر عوامل تولیدی را هم دارا باشد. اما کسب‌وکارهایی که فاقد دانش هستند اگر به دیگر منابع هم تجهیز شوند، در محیط رقابتی فشرده نمی‌توانند موفق باشند. کسب‌وکارها را می‌توان از لحاظ پویایی و ایستایی مورد ارزیابی قرارداد. هنگامی که سخن از کسب‌وکار با مفهوم ایستا می‌شود، یک کارخانه، هر نوع کسب‌وکار، محل کار و یا یک واحد فنی به ذهن خطور می‌کند. اما در بحث کسب‌وکار با مفهوم پویا، محلی را می‌شناسیم که با فرآیند تولیدی که تحقق می‌یابد، کالا و یا خدمتی به وجود می‌آید (عبداللهی، مهربانی، & بصیرت، ۱۳۹۲).

### ۱.۲. کسب‌وکارهای کوچک و متوسط

شرکت‌های کوچک و متوسط (SME) به‌عنوان مؤلفه‌های ضروری توسعه ملی در کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه شناخته شده‌اند (Abrie & Doussy, 2006; Lai & Arifin, 2011). این زیر بخش اقتصاد در سطح جهان به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای با افزایش اشتغال‌زایی، فقرزدایی، توزیع عادلانه منابع، توزیع مجدد درآمد، نوآوری فنی و فناوری، توسعه مهارت‌های کارآفرینی، پراکندگی یکنواخت صنعتی و اقتصادی و بهبود کلی استانداردهای زندگی مردم یک منطقه اقتصادی مرتبط بوده است. علاوه بر این از آن به‌عنوان یک استراتژی در تأمین امنیت غذایی و تشویق صنعتی شدن سریع و معکوس کردن مهاجرت روستا به شهر یادشده است (Oyekanmi, 2003).

همان‌گونه که گفته شد یکی از راه‌های مطرح در ریشه‌کنی بیکاری، کسب‌وکارهای کوچک و متوسط است. درواقع هسته اصلی فرآیند حرکت جوامع، حرکت به‌سوی یک اقتصاد رقابتی، ایجاد بخش خصوصی، توسعه کارآفرینی و ایجاد کسب‌وکارهای کوچک و متوسط می‌باشد. ازجمله کارکردهای منحصربه‌فرد این کسب‌وکارها، اشتغال‌زایی، توزیع ثروت در جامعه، توسعه مناطق حاشیه‌ای، تأمین تولیدات موردنیاز کشورها، تربیت نیروی انسانی موردنیاز صنایع و کسب‌وکارهای بزرگ است. امروزه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط علاوه بر کارکردهای پیشین خود، کانون اصلی توسعه کشورها به‌حساب می‌آیند و حمایت‌های گسترده‌ای توسط مؤسسات دولتی و عمومی از آن‌ها به عمل می‌آید (ملاشاهی، غلامعباس، ظریفیان، شاپور، & سارانی، ولی، ۱۳۹۴).

اگرچه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط به‌عنوان موتورهای واقعی و قابل‌قبول توسعه اقتصادی دیده می‌شوند، اما به دلیل تعدادی از مشکلات و چالش‌های پیش روی این زیر بخش مهم اقتصاد، رشد و توسعه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در برخی کشورها کند و یا حتی در برخی موارد متوقف شده است. برخی از مشکلات برجسته شده یادشده در مطالعات عبارت‌اند از: امکانات زیرساخت اسفبار، چالش‌های بودجه و تأمین مالی، مهارت‌های مدیریتی و کارآفرینی ناکافی، ظرفیت محدود برای تحقیق و توسعه و همچنین نوآوری‌ها، تقاضای محدود برای محصولات و خدمات آن‌ها، بار مالیات چندگانه و اقدامات غالب کارمندان و

<sup>1</sup> Functions

کارگزاران دولت، برخی دیگر شامل مشکلات مرتبط با انطباق با الزامات نظارتی در زمینه‌های خاص فعالیت کسب‌وکارهای کوچک و متوسط است. مشکلات کمبود سرمایه و مشکل دسترسی به اعتبارات بانکی، گلوگاه‌های بوروکراتیک فاسد و عدم شفافیت ناشی از مقررات و نهادهای نظارتی دولت؛ همچنین عدم علاقه یا تمرکز دولت در پرداختن به عوامل خاص مسئول عملکرد ناهنجار این بخش از دیگر مشکلات این عدم موقعیت این بخش‌های اقتصادی می‌باشد (Onugu, 2005).

بسیاری از شرکت‌ها، توسعه حوزه جغرافیایی یعنی حرکت از بازارهای محلی به بازارهای جهانی را به‌عنوان بخشی از استراتژی رشد انتخاب می‌کنند. توسعه اقتصادی یک تصمیم بسیار مهم است. مخصوصاً برای کسب‌وکارهای کوچک و متوسط (SME) که اساساً دارای پایه مالی کم، تمرکز محلی و حوزه جغرافیایی محدود هستند (احمدی، پرویز، کهره، محمد، & اعظمی، امیر، ۱۳۸۸). یکی از شرایط مهم برای موفقیت پایدار در اقتصاد کنونی، گسترش کسب‌وکارهای کوچک است که در تثبیت درآمدها، رشد اقتصادی و اشتغال جامعه نقش مهمی ایفا می‌کنند (Luo, 2000). امروزه اقتصاد کشورهای توسعه‌یافته بر محور کسب‌وکارهای کوچک و متوسط استوار است کسب‌وکارهای کوچک به‌واسطه سادگی در ساختار سازمانی، از انعطاف‌پذیری فراوانی در برابر تغییرات و سرعت قابل‌قبولی در انجام فعالیت‌ها برخوردارند علاوه بر این، بنگاه‌های کوچک و متوسط، عامل جذب و اشتغال بخش عظیمی از جمعیت کشورها و آموزش نیروی کار ماهر هستند و تأمین نیروی انسانی متخصص برای شرکت‌های بزرگ، به‌وسیله آن‌ها انجام می‌شود (آبادی، یاسر & زاهدی، شبنم، ۱۳۹۷). بر اساس تجارب بسیاری از کشورها، شرکت‌های کوچک و متوسط می‌توانند بنیان توسعه اقتصادی و منطقه‌ای باشند و زمینه را برای بسیج منابع کشور فراهم کنند که نتیجه آن، افزایش درآمد و ایجاد اشتغال در سطوح ملی و منطقه‌ای است. علاوه بر این، شرکت‌های کوچک و متوسط می‌توانند نقش مهمی در جذب نیروی کار مازاد که ناشی از فعالیت‌های خصوصی‌سازی است، داشته باشند (ناصریخت، جواد، ۱۳۸۱).

امروزه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط علاوه بر کارکردهای پیشین خود، کانون اصلی توسعه کشورها به حساب می‌آیند و حمایت‌های گسترده‌ای توسط مؤسسات دولتی و عمومی از آن‌ها به عمل می‌آید (خشنودی-فر، زهرا، سوختانلو، مجتبی، & ملک-محمدی، ایرج، ۱۳۸۹). بررسی سهم کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در میزان اشتغال، ایجاد ارزش افزوده و تولید ناخالص داخلی کشورها در جهان حاکی از آن است که بیش از ۹۵ درصد کل اشتغال ایجادشده متعلق به این نوع کسب‌وکارها است. به‌عنوان مثال، تا سال ۱۹۹۸، در کشور عضو پیمان اپک حدود ۴۰ میلیون کسب‌وکار کوچک و متوسط وجود داشتند که بین ۳۰ تا ۶۰ درصد تولید ناخالص داخلی این کشورها و بیش از ۸۰ درصد اشتغال را ایجاد می‌نمودند (حجی، رسول & پاسبانی، محمد، ۱۳۸۸). در اروپا، بیش از ۱۶ میلیون شرکت وجود دارد که کمتر از یک درصد آن‌ها را شرکت‌های بزرگ تشکیل می‌دهند و بقیه شرکت‌های کوچک و متوسط می‌باشند. شرکت‌های کوچک و متوسط ستون فقرات اقتصاد منطقه آسیا-اقیانوسیه بوده و ۹۰ درصد شرکت‌ها بین ۳۲ تا ۴۸ درصد اشتغال و بین ۶۰ تا ۸۰ درصد تولید ناخالص داخلی کشورهای این منطقه مختص شرکت‌های کوچک و متوسط می‌باشند. عملکرد اقتصاد ایالات متحده در سال‌های اخیر تا حد زیادی مدیون ایجاد کسب‌وکارهای کوچک و متوسطی است که ۴۳ درصد از شاخص اشتغال‌زایی را به خود اختصاص داده‌اند (Alizademarznaki, 2008). توسعه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط از نظر اشتغال‌زایی به‌ویژه برای کاهش فقر شهری در کشورهای در حال توسعه مهم است. زیرا حدود ۷۰٪ اشتغال، حدود ۳۵٪ صادرات و بیشتر درآمد ملی در هر اقتصادی را تشکیل می‌دهند (Navickas & Malakauskaite, 2009). کسب‌وکارهای کوچک و متوسط به‌ویژه برای کشورهای در حال ظهور منابع غنی (ERRC)<sup>۲</sup> به‌منظور خروج از دام با درآمد متوسط<sup>۳</sup> اهمیت ویژه دارد (Radosevic & Yoruk, 2018). دام با درآمد متوسط به‌عنوان ناتوانی در پایداری رشد و انتقال از رشد منابع محور، بر اساس هزینه نیروی کار و سرمایه، به رشد مبتنی بر بهره‌وری تعریف شده است. (Khakas & Kohli, 2011). کسب‌وکارهای کوچک و متوسط بخش جدایی‌ناپذیر فرایند تحول و دگرگونی در بازار رو به گسترش دنیای امروز هستند. این کسب‌وکارها در ابداع شیوه‌های جدیدی که به تغییرات فناوری و افزایش توانایی تولید منجر خواهد شد نقش مهمی ایفا می‌کنند. می‌توان گفت چنین واحدهایی در جست‌وجوی تغییر و تحول و رقابت هستند، چون در حال دگرگون کردن ساختار کلی بازارند (زولتان-حجی، ۱۳۸۳). در داخل اتحادیه اروپا، ۹۹٫۸٪ از کل شرکت‌ها به کسب‌وکارهای کوچک و متوسط اختصاص دارد (Wymenga, Spanikova, Barker, & Konings, 2012). در انگلستان، در آغاز سال ۲۰۱۳، ۴٫۹ میلیون

<sup>2</sup> emerging resource-rich countries

<sup>3</sup> middle-income trap

ISC  
۰۱۲۲۰-۵۹۴۰۴

نخستین کنفرانس ملی

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

چالش‌ها و راهکارهای نوین در مدیریت، حسابداری و صنعت بیمه

زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰  
MCII-conf.ir

کسب‌وکارهای کوچک و متوسط (۹۹٫۹٪ از کل مشاغل خصوصی) وجود داشت (وزارت نوآوری و مهارت‌های کسب‌وکار ، ۲۰۱۳). کسب‌وکارهای کوچک و متوسط انگلیس ۱۴٫۴ میلیون نفر شاغل داشتند و بیش از نیمی از گردش مالی شرکت‌های خصوصی انگلیس را به خود اختصاص دادند (بخش نوآوری و مهارت‌های تجاری ، ۲۰۱۳). اکثر مشاغل جدید در انگلستان توسط شرکت‌های کوچک با کمتر از ۵۰ نفر کارمند ایجاد گردیده است (M Anyadike-Danes, 2013). به‌طور متوسط، بین سال‌های ۱۹۹۸ و ۲۰۱۰، شرکت‌های کوچک ۳۴٪ از ۲٫۶۱ میلیون شغل جدید را در انگلستان ایجاد کردند، درحالی‌که شرکت‌های نوپا (از هر ده شرکت ۹ شرکت کمتر از پنج کارمند دارند) ۳۳٪ این مشاغل را تشکیل می‌دهند. ( M. Anyadike-Danes, Bonner, & Hart, 2011). این کسب‌وکارها در ترکیه، ۹۹/۸ درصد از کل بنگاه‌ها را تشکیل می‌دهند، ۷۶٫۷ درصد از کل اشتغال، ۳۸ درصد از سرمایه‌گذاری‌ها را به خود جذب کرده ولی تنها ۵ درصد از اعتبارات بانکی را استفاده می‌کنند (Karpak & Topcu, 2010). در ایران نیز طی مطالعه‌ای که مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی در سال ۱۳۸۷ انجام داد مشخص گردید که باوجود آنکه ۹۹ درصد بنگاه‌ها کوچک و متوسط می‌باشند، تنها ۱۷ درصد ارزش‌افزوده صنعت متعلق به آن‌ها است (ناصری-فر، وحید، سعادت، محمدرضا، & عباسی، زهرا، ۱۳۸۹).

جدول ۱: تعاریف صنایع کوچک و متوسط در کشورهای مختلف<sup>۵</sup>

نام کشور	تعریف صنایع کوچک و متوسط	معیار انتخاب
چین	در صنایع مختلف متفاوت است و معمولاً بنگاه‌های کمتر از ۱۰۰ نفر پرسنل بنگاه کوچک یا متوسط به حساب می‌آید.	تعداد کارکنان
اندونزی	تعداد کارکنان کمتر از ۱۰۰ نفر	تعداد کارکنان
ژاپن	تعداد کارکنان کمتر از ۳۰۰ نفر و یا میزان دارایی کمتر از ده میلیون ین، این رقم در مورد عمده‌فروشی‌ها، ۵۰ نفر پرسنل و میزان دارایی کمتر از سی میلیون ین و در مورد خرده‌فروشی‌ها تعداد کارکنان کمتر از ۵۰ نفر و میزان دارایی کمتر از ده میلیون ین می‌باشد.	تعداد کارکنان و ارزش دارایی‌ها
کره	در بنگاه‌های تولیدی؛ تعداد کارکنان کمتر از ۳۰۰ نفر و در بنگاه‌های خدماتی تعداد کارکنان کمتر از ۲۰ نفر	تعداد کارکنان
مالزی	میزان گردش مالی سالانه کمتر از ۱۵۰ میلیون رینگیت مالزی و تعداد کارکنان کمتر از ۱۵۰ نفر	میزان گردش مالی و تعداد کارکنان
فیلیپین	تعداد کارکنان کمتر از ۲۰۰ نفر و میزان دارایی کمتر از ۴۰ میلیون	میزان دارایی و تعداد کارکنان
سنگاپور	در بنگاه‌های تولیدی ارزش دارایی‌های ثابت کمتر از ۱۲ میلیون دلار و در بنگاه‌های خدماتی؛ تعداد کارکنان کمتر از ۱۰۰ نفر	میزان دارایی و تعداد کارکنان
چین تایپه	در بنگاه‌های تولیدی سرمایه پرداخت‌شده کمتر از ۴۰ میلیون و مجموع دارایی‌ها کمتر از ۱۲۰ میلیون و در مؤسسات تجاری، حمل‌ونقل و خدمات؛ فروش کمتر از ۴۰ میلیون	سرمایه پرداخت‌شده، دارایی‌ها و فروش
تایلند	در صنایع کاربری؛ تعداد کارکنان کمتر از ۲۰۰ نفر و در صنایع سرمایه‌بر؛ میزان سرمایه کمتر از ۱۰۰ میلیون بات	تعداد کارکنان و سرمایه
ایران	در صنایع کاربری؛ تعداد کارکنان ۴ تا ۵۰ نفر و در صنایع سرمایه‌بر؛ میزان سرمایه، ۲۰۰ میلیون ریال	تعداد کارکنان و سرمایه

<sup>4</sup> Department for Business Innovation & Skills, 2013

<sup>5</sup> منبع: ابراهیمی و مردانی گیوی، صنایع کوچک در ایران، مجله تدبیر، شماره ۱۳۷، مهر ۱۴۵، ۱۴۶-۱۴۷.

**ISC**  
۰۱۲۲۰-۵۹۴۰۴

**نخستین کنفرانس ملی**

چالش‌ها و راهکارهای نوین در مدیریت، حسابداری و صنعت بیمه

زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰  
MCII-conf.ir

برای تقویت رقابت صنعتی، بسیاری از کشورهای دارای منابع، سیاست‌های توسعه‌ای را دنبال می‌کنند که هدف آن به حداکثر رساندن تأثیر منابع طبیعی بر کل اقتصاد است (Ramdoo, 2015). این سیاست‌ها متمرکز بر حمایت از تولیدکنندگان داخلی در گسترش فعالیت‌هایشان، حداقل تا حدی با ورودی‌های داخلی، و دستیابی به تخصص بین‌المللی فناوری و مدیریت برای افزایش رقابت‌پذیری آن‌ها است (Kalyuzhnova, Nygaard, Omarov, & Saparbayev, 2016). در مجموع می‌توان گفت توسعه‌ی اقتصادی هر کشوری تا حد زیادی به موفقیت کسب‌وکارهای کوچک و متوسط آن کشور وابسته است (ناصری-فر، وحید، ۱۳۸۹ et al.).

## ۲.۱. انواع صنایع کوچک

سازمان‌ها از نظر شاخص‌های مختلف به انواع گوناگونی تقسیم‌شده‌اند و تعریف‌های متفاوتی برای هرکدام از آن‌ها در کشورهای گوناگون ارائه شده است. شاخص‌هایی مانند حجم فعالیت، میزان فروش یا درآمد، تعداد کارکنان، سرمایه‌گذاری و... اما آنچه در اکثر کشورها مرسوم است، تقسیم‌بندی بر اساس اندازه می‌باشد که در ایران به صورت زیر است:

مؤسسات کوچک و متوسط: مؤسساتی هستند که کمتر از ۵۰ نفر کارکن داشته باشند.

مؤسسات بزرگ: مؤسساتی هستند که ۵۰ نفر و بیشتر کارکن داشته باشند.

به‌طور کلی، صنایع و واحدهای تولیدی به ۲ گروه صنایع «صنفا و دستی» و صنایع «کارگاهی و کارخانه‌ای» تقسیم می‌شوند.

(الف) صنایع صنفا و دستی:

صنایع صنفا و دستی به ۲ گروه صنایع «سنتی و دستی» و صنایع «صنفا» تقسیم می‌گردد:

۱- صنایع سنتی و دستی:

به آن نوع صنایع اطلاق می‌گردد که دارای خط تولید صنعتی نبوده و به کمک دست و هنر و خلاقیت فردی محصولاتشان را تولید می‌نمایند؛ مانند صنایع قلم‌زنی، ترمه‌بافی، قالی‌بافی و...

۲- صنایع صنفا:

به آن نوع صنایعی اطلاق می‌گردد که از ماشین‌آلات صنعتی در صورت نیاز استفاده می‌شود، ولی دارای خط تولید پیوسته و مستمر نبوده و بر اساس مشتری و نیازهای خاص متقاضی محصولاتشان را تولید می‌کنند؛ مانند صنایع آهن‌گری، پیراهن‌دوزی، تراشکاری، نجاری و...

(ب) صنایع کارگاهی و کارخانه‌ای:

به آن گروه از واحدهای تولیدی و صنعتی اطلاق می‌گردد که دارای خط تولید مشخص بوده و ماشین‌آلات و تجهیزات کارگاهی، برای تولید کالاهای خاص، طراحی و نصب‌شده‌اند؛ مانند کارخانجات و کارگاه‌های ریسندهی، بافندگی، لوازم‌خانگی، تولید خودرو و... (افشاری و صائب نیا، ۱۴۰۰)

## ۲.۲. نقش صنایع کوچک

نگاهی کوتاه به ساختار نظام اقتصادی کشورهای مختلف ما را از اهمیت و جایگاه شرکت‌ها و بنگاه‌های کوچک بیشتر آشنا می‌کند. در خصوص اهمیت این شرکت‌ها، همین بس که حداقل ۳/۲ میلیون مؤسسه کوچک و متوسط در آلمان وجود دارد که تعداد کارکنان آن ۲۰ میلیون نفر است و ۷۰ درصد کل شاغلان این کشور را در خود جای داده‌اند. در ایالات متحده نیز حدود ۲۵ میلیون بنگاه کوچک وجود دارد که بیش از ۵۰ درصد از نیروی کار بخش خصوصی را در اختیار دارد. این بنگاه‌ها به‌تنهایی نیمی از تولید ناخالص داخلی ایالات متحده را تأمین کرده و ۹۶ درصد از کل صادرات این کشور نیز توسط این شرکت‌ها تولید می‌شوند.

این شرکت‌ها به دلیل ویژگی‌های خاصی که دارند، از کارکردهای بی‌بدیلی برخوردارند:

ISC  
۰۱۲۲۰-۵۹۴۰۴

نخستین کنفرانس ملی

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

چالش‌ها و راهکارهای نوین در مدیریت، حسابداری و صنعت بیمه

زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰  
MCII-conf.ir

۱- شرکت‌های کوچک از انعطاف‌پذیری ۶ بیشتری برخوردار بوده و کارآفرینی، خلاقیت و نوآوری بیشتری در آن‌ها صورت می‌پذیرد. این شرکت‌ها راحت‌تر می‌توانند خود را با تغییرات پرشتاب محیطی تطابق داده و نسبت به مؤلفه‌های محیطی همچون عوامل اقتصادی، اجتماعی، تکنولوژیکی، سیاسی و قانونی سریع‌تر واکنش نشان دهند. جالب است بدانیم که بیش از ۵۵ درصد از نوآوری‌ها و اختراعاتی که در ایالات متحده آمریکا به ثبت می‌رسد، در شرکت‌های کوچک رخ می‌دهد.

۲- بنگاه‌های کوچک عامل جذب و اشتغال بخش عظیمی از جمعیت کشورها و آموزش و تربیت نیروی کار ماهر هستند. به‌عنوان مثال در آلمان، ۸۰ درصد از نیروی کار ابتدا جذب صنایع کوچک می‌شوند و آموزش‌های لازم و مهارت‌های حرفه‌ای موردنیاز را کسب می‌کنند، به‌گونه‌ای که این صنایع برای دانش‌آموزان و دانشجویان به کارگاهی برای کسب مهارت‌های فنی و حرفه‌ای تبدیل شده‌اند.

۳- تأمین نیروی انسانی متخصص، برای شرکت‌های بزرگ، غالباً توسط شرکت‌های کوچک و متوسط صورت می‌گیرد. این مسئله به‌صورت یکی از مشکلات کنونی این‌گونه بنگاه‌ها درآمدهاست. زیرا غالباً افراد متخصص پس از کسب تجربه در شرکت‌های کوچک و متوسط جذب صنایع بزرگ‌تر و جذاب‌تر می‌شوند.

۴- از آنجایی که بنگاه‌های کوچک در مقایسه با بنگاه‌های متوسط و صنایع بزرگ با سرمایه کمتری می‌توانند ایجاد اشتغال کنند، تعداد مشاغلی که این دسته از شرکت‌ها ایجاد می‌کنند بیشتر از شرکت‌های بزرگ است.

۵- امکان ایجاد مشاغلی به‌صورت ((خوداشتغالی (V)) باعث می‌شود تا کارآفرینان بانگیزه بیشتری به این دسته از شرکت‌ها روی بیاورند.

۶- جذب و پذیرش کارکنان با شرایط خاص در این بنگاه‌ها با سهولت بیشتری صورت می‌گیرد. این شرکت‌ها توانسته‌اند امکان اشتغال برای افراد جوان، سالمندان، زنان، کارکنان پاره‌وقت و حتی افراد معلول نیز فراهم کنند.

۷- در این‌گونه بنگاه‌ها به‌راحتی می‌توان بدون نیاز به برنامه‌ریزی و تغییرات گسترده در ساختار، گروه‌های میان وظیفه‌ای یا گروه‌های کاری با ترکیبی از متخصصان مختلف را گرد هم آورد.

۸- هزینه بیرون آمدن از صنعت برای این‌گونه شرکت‌ها در مقایسه با شرکت‌های بزرگ کمتر است از این‌رو بسیاری از کشورهای جهان توجه خاصی به این گروه از بنگاه‌ها دارند و با مطالعه و بررسی در مورد مسائل و مشکلات و محدودیت‌های آن‌ها سعی در استفاده از فرصت‌های گوناگونی دارند که این شرکت‌ها ایجاد می‌کنند.

۹- این صنایع همچنین:

الف) توانایی لازم در راستای تأمین قطعات موردنیاز صنایع مادر بزرگ را دارند.

ب) توان لازم در جهت جذب سرمایه‌های سرگردان جامعه را دارند.

ج) این صنایع می‌توانند سکوی پرتاب مدیران و کارآفرینان اقتصادی باشند و مرکزی برای مدیران و نیروهای متخصص موردنیاز صنایع و تکنولوژی پیشرفته باشند. (افشاری و صائب نیا، ۱۴۰۰)

### ۲.۳. نقش صنایع کوچک در اقتصاد در حال رشد

ایجاد صنایع کوچک شاید از مهم‌ترین پیشنهادها جهت مبارزه با فقر و بیکاری باشد. زیرا بدون شک این عمل موجب افزایش چشمگیر تولید کالاهای مفید و در نتیجه بالا رفتن سطح کیفیت زندگی و همچنین پایین آمدن سرعت رشد جمعیت می‌گردد؛ اما در بسیاری از کشورهای آسیایی رشد صنایع بزرگ خصوصاً «به دلیل فراهم نبودن سرمایه، کند بوده است. در چنین شرایطی می‌توان با گسترش و مدرنیزه کردن صنایع کوچک و ایجاد صنایعی که قادر به بالا بردن سطح تولید و سطح کیفیت زندگی پایین کنونی باشد، با کم‌کاری و بیکاری مبارزه نمود. جای تردید نیست که صنایع کوچک و روستایی موجب اشتغال بخش عمده‌ای از جمعیت کشور می‌شود. متأسفانه این صنایع به دلیل رقابت صنایع بزرگ و همچنین رشد نگران‌کننده جمعیت دچار رکود گردیده‌اند.

در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی در مواردی که سرمایه کمیاب باشد باید ترتیبی اتخاذ نمود که سرمایه موجود در جهت ایجاد حداکثر اشتغال و تولید بیشترین کالا بکار گرفته شود. لذا در این موارد باید با حداکثر احتیاط و دوراندیشی عمل کرد؛ اما این ادعا الزاماً به آن معنی نیست که هزینه کردن روی صنایع کوچک و

<sup>6</sup>. Flexibility

<sup>7</sup>. Self Employment

ISC  
۰۱۲۲۰-۵۹۴۰۴

نخستین کنفرانس ملی

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

چالش‌ها و راهکارهای نوین در مدیریت، حسابداری و صنعت بیمه

زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰  
MCII-conf.ir

متوسط همیشه از نظر پیشرفت اقتصادی و اجتماعی نتیجه مطلوب‌تری از صنایع بزرگ خواهد داشت. تعیین اولویت‌های بین این دو نوع صنایع تا حد بسیار زیادی به شرایط حاکم بر کشور بستگی دارد. با توجه به شرایط حاضر اگر هر دو شیوه مذکور در کنار هم و به‌طور متوازن بکار گرفته شوند بهترین نتیجه حاصل می‌گردد.

امروزه در کشورهایی چون آلمان، سوئیس و فرانسه در کنار کارخانه‌های بزرگ، گروه عظیمی از کارگاه‌ها و واحدهای بزرگ صنعتی کوچک و متوسط به چشم می‌خورد. ژاپن بارزترین آن در رشد صنایع کوچک و متوسط است. این کشور با چنین اقتصادی در اثر تلاش‌های خود به‌صورت یکی از قدرتمندترین کشورهای صنعتی جهان درآمده است. این پیشرفت چشمگیر به دلیل برنامه‌ریزی دقیق، مکمل یکدیگر قرار دادن کشاورزی و صنعت، تأسیس گروهی از صنایع کوچک و متوسط با شیوه‌های تولید جدید و کارخانه‌های داخلی که از نیروی برق با تجهیزات و نیروی انسانی اعضاء خانواده و همکاری بعضی از نیروهای کار فردی استفاده می‌کنند ممکن بوده است.

شاید بتوان گفت که مسئله رشد اقتصادی کشورهای عقب‌مانده را نمی‌توان صرفاً از لحاظ میزان تشکیل سرمایه، سرمایه‌گذاری، قدرت تولید و مقدار تولید ارزیابی کرد. زیرا اقتصاد هر عصری، محصول محیط اجتماعی گسترده‌تر بوده که برنامه‌ریزی اقتصادی تنها بخشی از آن می‌باشد. این روند گسترده تنها حاصل توسعه منابع به معنی محدود و فنی کلمه نبوده بلکه نتیجه رشد استعدادهای افراد جامعه و ایجاد نظامی است که پاسخگوی نیازها و خواسته‌های آن‌ها می‌باشد. طبیعتاً ارتباط بین صنایع بزرگ و کوچک و متوسط باید همواره در راستای اهداف توسعه ملی مشاهده شود. ساختار صنعتی همواره آن صنایع را شامل می‌شده که توانسته‌اند از به‌صرفه بودن تولید بیشتر و منابع طبیعی عمده بهره بگیرند. باین‌همه با استفاده از خدمات واحدهای کوچک‌تر، صنایع بزرگ قادر خواهند بود منابع را بر روی عناصر مهم در خط تولید متمرکز کنند و انعطاف‌پذیری را افزایش دهند. محصولات خاص و یا دسته‌های خط تولید کوچک و خدمات خاص می‌توانند به‌وسیله واحدهای کوچک خارج از مجتمع بزرگ بر عهده صنایع کوچک و متوسط گذارده شوند. صنایع کوچک و متوسط قادرند نیروها را بسیج کنند و کاری را که واحدهای بزرگ احتمالاً به دلایل اقتصادی از بسیج آن‌ها ناتوان خواهند بود را انجام دهند.

حلقه‌های اتصال به تشکیلات صنایع بزرگ، عامل عمده‌ای برای توسعه صنایع کوچک و متوسط خواهد بود. برای صاحبان و مدیران صنایع کوچک و متوسط و واحدهای بزرگ‌تر این مزیت بعضاً وجود خواهد داشت که تنها مشتری صنایع کوچک و متوسط، صنایع بزرگ محسوب می‌شود و سفارشات به واحدهای کوچک‌تر در ابعاد عمده‌ای بوده و عمدتاً در کنار آن واقع شده‌اند. به‌این‌ترتیب هزینه‌های بازاریابی برای شاغلین صنعتی صنایع کوچک و متوسط به حداقل می‌رسد. واحدهای بزرگ‌تر اغلب از تکنولوژی‌های پیچیده‌تری سود می‌برند که نشان می‌دهد چشم‌اندازهای بالقوه آموزشی برای صنعت کوچک و متوسط وجود دارند. در واقع بسیاری از صنایع کوچک و متوسط را مدیرانی که خود مالک واحد تولیدی هستند بر پا داشته‌اند و اینان دانش فنی خود را در زمانی کسب کرده‌اند که در بنگاه‌های بزرگ‌تر کار کرده‌اند. تقسیم‌کار بین واحدهای صنعتی بزرگ و کوچک در اصل برای دو طرف مزیت خواهد داشت.

سؤالی که باقی می‌ماند این است که باوجود این تقسیم‌کار آیا کمک به صنایع کوچک و متوسط بایستی بر اساس نیازهای صنایع بزرگ تنظیم شود یا باید بیشتر از همه معطوف به نیازها و توانایی‌های صنایع کوچک و متوسط باشند؟

در کشورهای درحال توسعه که صنایع کوچک و متوسط به‌عنوان واحد تدارکات صنایع بزرگ عمل می‌کنند لازم خواهد بود که در مجاورت صنعت بزرگ ساخته شوند. هزینه‌های راه و ترابری به دلیل پراکندگی گسترده، اغلب بیش‌ازاندازه بالا است و به دلیل مشابه صنایع کوچک و متوسط در بیشتر موارد می‌بایست در مجاورت مناطق شهری بزرگ‌تر قرار گیرند. در کشورهای درحال توسعه در شهرهای کم‌جمعیت و به‌طور خاص در مناطق کمتر توسعه‌یافته که اکثریت جمعیت کشور را در خود جای داده است، صنایع کوچک و متوسط می‌توانند سهمی مهم در توسعه اقتصادی و اجتماعی آن مناطق و شهر بر عهده گیرند. در کشورهای درحال توسعه صنایع کوچک و متوسط نقش عمده‌ای را در ایجاد اشتغال بر عهده‌دارند و فرصت‌های ارزنده‌ای را برای مدیران صاحب صنایع کوچک و متوسط در توسعه ارائه می‌دهند. صنایع کوچک و متوسط ثابت کرده‌اند که در استفاده از تکنولوژی‌های ساده و مناسب کارآمد هستند و در تولید محصولات انعطاف‌پذیر بوده و خواهند توانست از منابع پراکنده در مجاورت شهرها و روستاهای کشور استفاده کنند، به‌طوری‌که اگر صنایع کوچک و متوسط از این منابع پراکنده استفاده نمی‌کردند این منابع مورد استفاده صنعت قرار نمی‌گرفت. (افشاری و صائب نیا، ۱۴۰۰)

#### ۲.۴. اهمیت کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در اقتصاد

ISC  
۰۱۲۲۰-۵۹۴۰۴

نخستین کنفرانس ملی

چالش‌ها و راهکارهای نوین در مدیریت، حسابداری و صنعت بیمه

زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰  
MCII-conf.ir

تردید وجود ندارد که عملکرد کسب‌وکارهای کوچک و متوسط برای توسعه اقتصادی اکثر کشورهای درحال توسعه بسیار مهم است. به همین دلیل، این کسب‌وکارها همیشه تحت حمایت زیاد دولت کشور خود قرار گرفته‌اند. علاوه بر آن، سازمان‌های بین‌المللی از قبیل بانک جهانی و سازمان ملل متحد و بسیاری دیگر از کشورها نیز از طریق همکاری‌های دوجانبه کمک‌های زیادی از لحاظ مالی و فنی به کسب‌وکارهای کوچک و متوسط نموده‌اند تا جایگاه ارزشمند خود را در کشورهای درحال توسعه پیدا کنند (وبلاگ-رسمی-بانک-تجارت، ۱۳۹۶).

بخش کسب‌وکارهای کوچک و متوسط اهمیت زیادی برای اقتصاد کشورها دارد؛ چراکه کمک شایان توجهی به اشتغال و تولید ناخالص ملی کرده و رشد این بخش باعث رسمیت بخشیدن به اقتصاد می‌گردد. در بسیاری از کشورها اکثر مشاغل توسط این بنگاه‌ها ایجاد می‌شود. در ۳۰ کشوری که دارای بالاترین درآمد در سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (OECD) هستند، بیش از دوسوم افراد شاغل در کسب‌وکارهای کوچک و متوسط مشغول به کار هستند (وبلاگ-رسمی-بانک-تجارت، ۱۳۹۶).

برای مثال، طبق بررسی‌های به‌عمل‌آمده، کسب‌وکارهای کوچک و متوسط دربرگیرنده بیش از ۹۹ درصد نهادهای کسب‌وکار در آمریکا بوده و بیش از ۸۰ درصد نیروی کار این کشور در این کسب‌وکارها مشغول بکار هستند. کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در کشورهای صنعتی از قبیل ژاپن، استرالیا، آلمان، فرانسه و کانادا نیز از اهمیت بالایی برخوردارند و به‌عنوان عامل مهمی در رشد اقتصادی و پیشرفت فناوری محسوب می‌شوند. همچنین این کسب‌وکارها به-دلیل برخورداری از پتانسیل لازم جهت بهبود توزیع درآمد، ایجاد اشتغال، کاهش فقر، رشد صادرات و خلق کارآفرینی، نقشی حیاتی در کشورهای درحال توسعه ایفا می‌کنند.

ارائه خدمات مالی و بانکی به بخش کسب‌وکارهای کوچک و متوسط نیز به دلیل اهمیت این بخش در تمامی کشورها از لحاظ اقتصادی بسیار ارزشمند است. به‌خصوص در کشورهایی با درآمد پایین، بانک‌ها می‌توانند نقشی اساسی در این حوزه ایفا کنند؛ به‌طوری‌که ارائه تسهیلات بانکی می‌تواند انگیزه کافی برای بخش غیررسمی ایجاد کند تا برای دریافت این‌گونه تسهیلات تمایل بیشتری به ثبت کسب‌وکار خود و رسمیت بخشیدن به آن داشته باشند.

#### ۲.۵. اهمیت کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در اقتصاد

تردید وجود ندارد که عملکرد کسب‌وکارهای کوچک و متوسط برای توسعه اقتصادی اکثر کشورهای درحال توسعه بسیار مهم است. به همین دلیل، این کسب‌وکارها همیشه تحت حمایت زیاد دولت کشور خود قرار گرفته‌اند. علاوه بر آن، سازمان‌های بین‌المللی از قبیل بانک جهانی و سازمان ملل متحد و بسیاری دیگر از کشورها نیز از طریق همکاری‌های دوجانبه کمک‌های زیادی از لحاظ مالی و فنی به کسب‌وکارهای کوچک و متوسط نموده‌اند تا جایگاه ارزشمند خود را در کشورهای درحال توسعه پیدا کنند (وبلاگ-رسمی-بانک-تجارت، ۱۳۹۶).

بخش کسب‌وکارهای کوچک و متوسط اهمیت زیادی برای اقتصاد کشورها دارد؛ چراکه کمک شایان توجهی به اشتغال و تولید ناخالص ملی کرده و رشد این بخش باعث رسمیت بخشیدن به اقتصاد می‌گردد. در بسیاری از کشورها اکثر مشاغل توسط این بنگاه‌ها ایجاد می‌شود. در ۳۰ کشوری که دارای بالاترین درآمد در سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (OECD) هستند، بیش از دوسوم افراد شاغل در کسب‌وکارهای کوچک و متوسط مشغول به کار هستند (وبلاگ-رسمی-بانک-تجارت، ۱۳۹۶).

برای مثال، طبق بررسی‌های به‌عمل‌آمده، کسب‌وکارهای کوچک و متوسط دربرگیرنده بیش از ۹۹ درصد نهادهای کسب‌وکار در آمریکا بوده و بیش از ۸۰ درصد نیروی کار این کشور در این کسب‌وکارها مشغول بکار هستند. کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در کشورهای صنعتی از قبیل ژاپن، استرالیا، آلمان، فرانسه و کانادا نیز از اهمیت بالایی برخوردارند و به‌عنوان عامل مهمی در رشد اقتصادی و پیشرفت فناوری محسوب می‌شوند. همچنین این کسب‌وکارها به-دلیل برخورداری از پتانسیل لازم جهت بهبود توزیع درآمد، ایجاد اشتغال، کاهش فقر، رشد صادرات و خلق کارآفرینی، نقشی حیاتی در کشورهای درحال توسعه ایفا می‌کنند.

ارائه خدمات مالی و بانکی به بخش کسب‌وکارهای کوچک و متوسط نیز به دلیل اهمیت این بخش در تمامی کشورها از لحاظ اقتصادی بسیار ارزشمند است. به‌خصوص در کشورهایی با درآمد پایین، بانک‌ها می‌توانند نقشی اساسی در این حوزه ایفا کنند؛ به‌طوری‌که ارائه تسهیلات بانکی می‌تواند انگیزه کافی برای بخش غیررسمی ایجاد کند تا برای دریافت این‌گونه تسهیلات تمایل بیشتری به ثبت کسب‌وکار خود و رسمیت بخشیدن به آن داشته باشند.

ISC  
۰۱۲۲۰-۵۹۴۰۴

نخستین کنفرانس ملی

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

چالش‌ها و راهکارهای نوین در مدیریت، حسابداری و صنعت بیمه

زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰  
MCII-conf.ir

### ۳. روش تحقیق

هدف از تحقیق حاضر مروری بر نقش کسب و کارهای کوچک و متوسط در توسعه اقتصاد است. این تحقیق از نوع توصیفی است و از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. روش‌های کتابخانه‌ای شامل فرایندی منظم و گام به گام است که برای گردآوری اطلاعات جهت نگارش یک مقاله یا ارائه یک سمینار مورد استفاده قرار می‌گیرد. بطور کلی روش‌های گردآوری اطلاعات به دو دسته روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی تقسیم می‌شود. در تحقیقاتی که ظاهراً ماهیت کتابخانه‌ای ندارند نیز پژوهشگران ناگزیر از کاربرد روش‌های کتابخانه‌ای در تحقیق خود هستند. در این گروه تحقیقات اعم از توصیفی، علی، همبستگی، تجربی و غیره، پژوهشگر باید ادبیات و سوابق مسئله و موضوع تحقیق را مطالعه کند. در نتیجه، باید از روش‌های کتابخانه‌ای استفاده کند و نتایج مطالعات خود را در ابزار مناسب اعم از فیش برداری یا جدول و فرم ثبت و نگهداری نماید و در پایان کار نسبت به طبقه بندی و بهره برداری از آنها اقدام کند.

### ۴. نتیجه گیری

امروزه کسب و کارها با محیطی چالش برانگیز و همواره در حال تغییر روبه‌رو هستند که آن‌ها را وادار به رقابت برای دستیابی به بهبود مستمر و نوآوری کرده است. این موضوع با جهانی شدن و لزوم حضور در بازارهای جهانی اهمیت بیشتری یافته است. در مسیر رشد و توسعه بنگاه‌ها، در بسیاری از مواقع، مدیریت بنگاه‌ها بیشتر درگیر رفع مشکلات کسب و کار خود و تصمیم‌گیری در مورد فعالیت‌های اجرایی بنگاه هستند، درحالی‌که در کنار اقدامات اجرایی، توجه به برنامه‌ریزی مسیر رشد و موفقیت بنگاه و به‌کارگیری نهایت تجربه و هوشمندی در طرح‌ریزی الگوی کسب و کار بسیار حیاتی و ضروری است.

کسب و کارهای کوچک و متوسط بخش جدایی‌ناپذیر فرایند تحول و دگرگونی در بازار رو به گسترش دنیای امروز هستند. این کسب و کارها در ابداع شیوه‌های جدیدی که به تغییرات فناوری و افزایش توانایی تولید منجر خواهد شد نقش مهمی ایفا می‌کنند. از سوی دیگر توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط به‌منزله یکی از نیروهای پیش برنده اقتصاد مدرن، نقش بسزایی در بهبود فرصت‌های اشتغال، تشویق افزایش صادرات و تقویت نوآوری‌های فناورانه دارند. در این میان در کشورهای در حال توسعه‌ای مانند ایران که از موهبت و مزیت‌های مرتبط با ذخایر حوزه نفت و گاز برخوردار هستند، استفاده از این ظرفیت جهت توسعه کسب و کارها مسیر مناسبی برای افزایش استفاده اقتصادی حداکثری و جلوگیری از خام‌فروشی محسوب شده و می‌تواند به تکمیل زنجیره ارزش نفت و گاز در داخل کشور کمک نماید. این بخش از ظرفیت بالایی برای توسعه کسب و کارهای کوچک و بزرگ برخوردار هستند. با وجود اهمیت و جایگاه کلیدی ذکر شده مبانی نظری کسب و کارهای کوچک و متوسط صنایع پتروشیمی از نبود مدل‌های توسعه کسب و کار مبتنی بر شاخص‌های و ویژگی‌های متمایز این بخش رنج می‌برد. بر این اساس نیز تحقیق حاضر باهدف استخراج مدل بومی کسب و کارهای صنعت پتروشیمی در مینی پتروشیمی‌ها منتخب انجام شد.

### منابع

1. Abrie, W., & Doussy, E. (2006). "Tax Compliance Obstacles Experienced by Small and Medium Scale Enterprises in South Africa. *Meditari Accountancy Research*, 14(1), 1-13 .
2. Alizademarnzaki, A. (2008). Facility Impact of quick impact firms in the economy. *Proceedings of the Second International Conference on consultants and money managers, IRIB International Conference Center*, 1-18 .
3. Eren, E. (2000). *Strategic Management and Business policy*, 5Th Ed. Istanbul: Beta Pub.
4. Khakas, H & ,Kohli, H. (2011). What is the middle-income trap, why do countries fall into it, and how can it be avoided? . *Global Journal of Emerging Market Economies*, 3(3), 281-289 .
5. Navickas, V., & Malakauskaite, A. (2009). The impact of clusterization on the development of small and medium-sized enterprise (SME) sector. *Journal of Business Economics and Management*, 10(3), 255-259 .
6. Onugu, B. A. N. (2005). Small and Medium Enterprises (SMEs) in Nigeria: Problems and Prospects. *St. Clements University Dissertations and Theses*. Retrieved from <http://stclements.edu/grad/gradonug.pdf>
7. Oyekanmi, R. (2003). Concepts of Equity Financing and its Implications for SMEIS. *the Central Bank of Nigeria (CBN) Seminar on Small Scale and Medium Industries Equity Investments*, 4, 66-84 .

ISC  
۰۱۲۲۰-۵۹۴۰۴

نخستین کنفرانس ملی

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

چالش‌ها و راهکارهای نوین در مدیریت، حسابداری و صنعت بیمه

زمان برگزاری: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰  
MCII-conf.ir

8. Radošević, S., & Yoruk, E. (2018). Technology upgrading of middle income economies: A new approach and results. *Technological Forecasting and Social Change*, 129, 56-75 .
9. Tosun, K. (1990). *Business Management* (Vol. 120). Istanbul University, Business Administration Faculty: Istanbul.
10. Wymenga, P., Spanikova, V., Barker, A., & Konings, J. (2012). *EU SMEs in 2012 at the crossroads. Annual report on small and medium-sized enterprises in the EU*. Rotterdam: Ecorys.

۱۱. آبادی، یاسر، ف.، & زاهدی، شبنم. (۱۳۹۷). تحلیل نابرابری های اقتصادی-اجتماعی توسعه در نواحی روستایی ایران. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۷(۲۴)، ۴۴-۱۹.
۱۲. احمدی، پرویز، کهره، محمد، & اعظمی، امیر. (۱۳۸۸). بررسی نقش کسب و کارهای کوچک و متوسط (SME) بر توسعه اقتصادی با تأکید بر رویکرد استراتژیک، چالشها و راهکارها. اولین کنفرانس بین المللی مدیریت اجرایی.
۱۳. خشنودی-فر، زهرا، سوختانلو، مجتبی، & ملک-محمدی، ایرج. (۱۳۸۹). تاثیر عملکرد بانک کشاورزی و سازمان جهاد کشاورزی در میزان موفقیت کسب و کارهای کوچک و متوسط کارآفرین در بخش کشاورزی. اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۱۸(۷۲)، ۱۳۹-۱۶۰.
۱۴. عبدالمهرابی، ف.، مهریانی، ف.، & بصیرت، م. (۱۳۹۲). مقایسه اثر شاخص های فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی: مطالعه موردی ایران و کشورهای عضو سازمان توسعه اقتصادی و همکاری OECD. Paper presented at the اولین همایش الکترونیکی ملی چشم انداز اقتصاد ایران «با رویکرد حمایت از تولید ملی». <https://civilica.com/doc/260217>
۱۵. ملاشاهی، غلامعباس، ظریفیان، شاپور، & سارانی، ولی. (۱۳۹۴). عوامل مؤثر بر موفقیت کسب و کارهای کوچک و متوسط زراعی و باغی شهرستان زابل. جله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، ۲(۴۶)، ۷۳۹-۷۴۸.
۱۶. ناصربخت، جواد. (۱۳۸۱). بنگاه های کوچک و متوسط، شکل گیری، قابلیت ها و سیاست ها. فصلنامه صنایع دانشگاه صنعتی شریف، ۱۰(۳۳)، ۲۱-۴۳.
۱۷. ویلاگ-رسمی-بانک-تجارت. (۱۳۹۶). کسب و کارهای کوچک و متوسط و نقش آنها در توسعه اقتصادی.
۱۸. [1] افشاری، رقیه؛ صائب نیا، سمیه، (۱۴۰۰)، صنایع کوچک و متوسط، انتشارات محقق اردبیلی، اردبیل